



دانشجو، کارگر، اتحاد، اعتصاب

نقش تعیین‌کننده اعتصاب سیاسی سرتاسری در مرحله کنونی جنبش

طبقه کارگر و خیزش سراسری



روز شنبه ۹ مهر در شانزدهمین روز از آغاز شروع خروش انقلابی توده‌های مردم ایران، دعوت دانشجویان دانشگاه‌ها به اعتصاب و اعتراض روزی فراموش نشدنی، روزی سرشار از قهرمانی‌های بی‌مانند را در دانشگاه‌ها و خیابان‌ها رقم زد.

با شروع اعتراضات به قتل وحشیانه ژینا (مهسا امینی) توسط حکومت اسلامی، دانشجویان با راهپیمایی و تجمع در محوطه دانشگاه‌ها و طرح شعارهای رادیکال، به سرعت به صفوف معترضان پیوستند. جمهوری اسلامی نیز بر اساس تجارب قبلی و نقشی که دانشجویان در گسترش اعتراضات و رادیکالیزه کردن آن از دی‌ماه ۹۶ تا دی‌ماه ۹۸ (اعتراض به سرنگونی هواپیمای اوکراینی) داشتند، با هدف سرکوب اعتراضات دانشجویی، دستگیری وسیع دانشجویان را آغاز کرد.

جمهوری اسلامی همچنین با تعطیلی کلاس‌های حضوری و اعلام مجازی شدن کلاس‌های درس، تلاش کرد تا از تجمع دانشجویان در محیط دانشگاه جلوگیری کند. واکنش رژیم اما نتیجه معکوس داد. دانشجویان نه تنها محیط دانشگاه را ترک نکردند، بلکه با اعلام اعتصاب عمومی خواستار آزادی تمامی دانشجویان دستگیر شده و لغو کلاس‌های مجازی شدند.

اعتصاب از دانشگاه‌های بزرگ همچون دانشگاه تهران به سرعت به دیگر دانشگاه‌ها رسید، به‌گونه‌ای که با گذشت تنها ۴ روز از آغاز اعتصاب، تعداد دانشگاه‌هایی که دانشجویان آن فراخوان اعتصاب داده و دست به اعتصاب زدند از ۱۱۰ دانشگاه نیز گذشت. با آغاز اعتصاب در دانشگاه‌ها، دانشجویان اما محوطه دانشگاه را ترک نکرده و اعتراضات خود را ادامه دادند. از جمله در روز چهارشنبه ششم مهر تجمع

در صفحه ۲

با اعتلای روزافزون مبارزات توده‌های مردم ایران و متجاوز از دو هفته تظاهرات و نبردهای خیابانی، اکنون در هم‌جا صحبت از ضرورت برپایی اعتصاب سراسری سیاسی است. این اعتصاب، ضرورت ناگزیر جنبش برای ورود به مرحله‌ای عالی‌تر است تا بتواند تداوم جنبش را در سطحی بالاتر حفظ کند، به جنبش شکلی سازمان‌یافته‌تر بدهد و توده‌های گسترده‌تری را وارد میدان نبرد برای سرنگون جمهوری اسلامی کند.

نبردهای خیابانی و جنگ‌وگریز شهری، دومین هفته خود را پشت سر گذاشته و تقریباً تمام شهرهای بزرگ و بسیاری شهرهای کوچک را در بر گرفته است. سرکوب و کشتار بی‌رحمانه مزدوران حکومتی، صدها کشته و زخمی برجای گذاشته است. تنها در جریان سرکوب خونین روز جمعه هشتم مهر در زاهدان، بیش از ۵۳ نفر کشته و ده‌ها نفر به‌سختی مجروح و زخمی شدند. هزاران زن و مرد جوان و دانشجو در سراسر کشور بازداشت و روانه زندان شده‌اند. اما کشتار

در صفحه ۴

در صفحه ۶

با خواست آزادی زندانیان سیاسی،

زندان را بر سر جمهوری اسلامی خراب کنیم ۱۲

در این شماره:

- ۸ برای اعتصاب سیاسی و قیام سراسری خود را تجهیز و آماده کنیم
- ۵ سرکوب و کشتار وحشیانه مردم زحمتکش زاهدان را قویاً محکوم میکنیم
- ۹ "کردستان کردستان، گورستان فاشیستان"
- ۳ پیش به‌سوی اعتصاب عمومی و قیام مسلحانه سراسری
- ۹ گزارشی از تجمع اعتراضی مقابل لانه جاسوسی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در لاهه هلند
- ۹ گزارشی از میتینگ اعتراضی جلو کنسولگری جمهوری جنایتکار اسلامی در هامبورگ
- ۱۰ گزارش آکسیون اعتراضی شورای استکھلم و نیروهای چپ و کمونیست
- اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در محکومیت
- ۱۰ حمله موشکی رژیم به پایگاه‌های احزاب اپوزیسیون در اقلیم کردستان عراق
- ۱۰ سرنگونی جمهوری اسلامی، جواب قطعی مردم به کشتار مردم زاهدان

دانشجو، کارگر، اتحاد، اعتصاب

دانشجویان دانشکده علوم پزشکی شیراز با هجوم نیروهای سرکوب به خشونت کشیده شد و تعدادی از دانشجویان دستگیر شدند.

اعتراضات دانشجویی در محیط دانشگاه در روز شنبه ۹ مهر سراسری شد. دانشجویان تمامی دانشگاه‌های بزرگ و حتی بسیاری از دانشگاه‌های کوچک، دانشگاه و حتی تعدادی از خیابان‌ها را به تسخیر خود درآوردند. جمهوری اسلامی نیز با گسیل نیروهای خود و هجوم به محوطه دانشگاه و پرتاب گاز اشک‌آور در برخی از دانشگاه‌ها همچون تهران، اصفهان و تبریز تعدادی از دانشجویان را دستگیر کرد. در تهران، مزدوران رژیم، دانشگاه تهران را به محاصره درآوردند و دانشجویان پس از درگیری با مزدوران رژیم در دانشکده فنی دانشگاه تهران دست به تجمع زدند. "دانشجو، کارگر، اتحاد، اعتصاب"، "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر"، "از زاهدان تا تهران، خونین تمام ایران"، "زن، زندگی، آزادی"، "دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد" و



"زندانی سیاسی آزاد باید گردد" از جمله شعارهای دانشجویان در این روز بود. شعارهای دانشجویان خیابان‌ها را نیز تحت‌تاثیر قرار داد و در خیابان جمالزاده تهران مردم شعار "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر" سر دادند.

در فراخوان‌های منتشره برای اعتصاب در دانشگاه‌ها، دانشجویان ضمن حمایت از اعتراضات سراسری توده‌های جان به لب رسیده، به سرکوب اعتراضات توده‌ای و دستگیری گسترده دانشجویان اعتراض کردند.

برای نمونه، "فعالین صنفی دانشگاه تهران" روز دوشنبه ۴ مهرماه با صدور اطلاعیه‌ای که با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" پایان یافت، خطاب به تمامی دانشجویان و نیز "اساتید و کارکنان آزادی‌خواه" دانشگاه نوشتند:

"امروز چگونه می‌توانیم در کلاس‌های دانشگاه شرکت کنیم؟ برای آموختن چه چیزی؟

امروز که "خیابان‌ها غرق خون" است. خواهرانمان، برادرانمان و هم‌کلاسی‌هایمان را روبرو اند و می‌ربایند، کشته‌اند و می‌کشند؟

امروز که سراسیمه و با واهمه از یکی شدن دانشگاه و خیابان، درهای دانشگاه را که رو به خیابان بود به روی ما بسته‌اند تا این‌بار عریان و بی‌پرده جولانگاه نیروی حراست و امنیتی شود؟

امروز که رد تاریخ بر خیابان است، تاریخ مبارزه با ستم، شوریدن علیه تباہی، جنگ با "فقر و فساد و بیداد" برای "نان، کار، آزادی و پوشش اختیاری"؛

امروز که فریاد "نه روسری، نه توسری" از تاریخ سر برآورد و با آمیختن با فریاد اکنونی

"آزادی و برابری"، راه آینده را نوید می‌دهد؛ امروز که خیابان، نماد مبارزه راه، "ژینا" راه، زن راه، زندگی راه، آزادی راه، چشم در چشم تباہی حاکم فریاد می‌زند.

ما از خود، از شما می‌پرسیم؛ تاریخ از ما، از شما می‌پرسد: شرکت در کلاس دانشگاه چه معنایی دارد؟ تاریخ نظاره‌گر ماست؛ کدام سمت ایستاده‌ایم؟

ما به خواست سرکوب برای شرکت در کلاس‌های مجازی امنیتی، می‌گوییم "نه".

نه! ما در میان عزای عزیزانمان، در میان شکست‌های مبارزان راه آزادی، در میان بازداشت هم‌کلاسی‌هایمان و در میان رقم خوردن تاریخ، نظاره‌گر نخواهیم بود. دانشگاه برای اعتراض به سال‌ها ستم بر زنان بی‌درنگ بپاخواست و اکنون نیز تا شور و خروش در خیابان است و تا پایان دادن به سرکوب خیابان و دانشگاه، از شرکت در کلاس‌های دانشگاهی که به تسخیر گزندگان سرکوب درآمده و از وحشت حضور "ما" مجازی شده، امتناع می‌کنیم.

در میانه‌ی این شکوه مبارزه و همبستگی، ما جمعی از فعالین صنفی دانشگاه تهران، در کنار دیگر صنف‌ها به فراخوان اعتصاب سراسری پیوسته و از شرکت در کلاس‌های مجازی خودداری می‌کنیم...

امروز به خیابان نگاه کنیم، بار دیگر این درس را مشق می‌کنند: راه که بی‌قیمت ترسمان می‌برد.

دانشجویان همچنین از اساتید دانشگاه‌ها خواستند تا به اعتصاب دانشجویان بپیوندند. به دلیل بی‌تفاوتی اساتید به سرکوب دانشجویان و

اعتراضات‌شان، دانشجویان در اعتراضات سال‌های قبل از جمله در مراسم ۱۶ آذر سال ۹۸

با شعاریی همچون "استادامون دلیل‌اند، ذلتو می‌پذیرن"، "گل‌وله تو خیابون، دانشجویها تو

زردون، استادامون خفه خون" و "اساتید، اساتید، حرف بزنید، نترسید" به شدت با بی‌تفاوتی آن‌ها

برخورده کرده بودند. این‌بار اما برخی از اساتید از جمله ۲۵ استاد دانشگاه هنر تهران و ۷ استاد

دانشگاه صنعتی شریف با اعلام اعتصاب با دانشجویان همراه شدند. در پی همراهی‌های

پراکنده برخی از اساتید با خواست دانشجویان، بیانیه‌ای از سوی اساتید دانشگاه‌های کشور منتشر

گردید که تا زمان انتشار این مقاله بیش از ۲۰۰ نفر آن را امضا کردند. آن‌ها در بیانیه خود ضمن

ابراز "تاسف" از برخورد حاکمیت با اعتراضات مردم از جمله دانشجویان، خواستار آزادی

دانشجویان زندانی شده و نوشتند که تا آزادی دستگیرشدگان جو دانشگاه آرام نخواهد شد.

این اولین بار است که بعد از تصفیه دانشگاه‌ها از اساتید انقلابی و مترقی تحت عنوان "انقلاب

فرهنگی"، جمعی از "اساتید" به‌نوعی با دانشجویان اعلام همبستگی می‌کنند و این یکی از

آن رویدادهایی‌ست که نشان می‌دهد شهریور و مهر ۱۴۰۱، تا همین‌جا نیز به مرزهایی فراتر از

دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ دست یافته است. باید در نظر داشت که همبستگی جمعی از "اساتید"، حتی

در همین حد، در حالی‌ست که بسیاری از "اساتید" کنونی دانشگاه‌ها و امدار و حتا وابسته به

حاکمیت هستند. بویژه کسانی که با سهمیه‌های



دولتی به دانشگاه راه یافته و پس از پایان دوران دانشجویی سال‌ها در پُست‌های گوناگون دولتی به این نظم جنایتکار خدمت کرده و در عین حال پُست "استاد" را اشغال کردند.

جنبش دانشجویی امروز نقش ویژه‌ای در جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان برای سرنگونی

جمهوری اسلامی ایفا می‌کند، این را اعلام اعتصاب سراسری دانشجویان و حرکت

یکپارچه‌ی آن‌ها در روز شنبه ۹ مهر بار دیگر به تصویر درآورد. اگرچه "اصلاح‌طلبان" با

نماینده‌ی "دفتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه" تا سال‌ها در محدود کردن مطالبات جنبش

دانشجویی نقش ایفا کردند، اما رفته رفته و بسیار پیش از آن که افشار میانی جامعه به ماهیت

فریبکارانه‌ی تبلیغات و شعارهای دروغین "اصلاح‌طلبان" پی ببرند، جنبش دانشجویی به

سمت جنبش کارگری گرایش پیدا کرد و تفکر چپ و رادیکال در آن به گرایش غالب تبدیل

گردید. دانشجویان بودند که برای اولین بار شعار "اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تموم ماجرا" را

در دی‌ماه ۹۶ سر دادند، شعاری که بر بستر آغاز دوران انقلابی سر داده شد و به میان جامعه

رفت. در سال‌های ۹۷ و ۹۸ تا قبل از همه‌گیر شدن ویروس "کرونا"، جنبش دانشجویی گام‌های

بلند دیگری به جلو برداشت و به‌عنوان یک جنبش رادیکال و چپ خود را تثبیت کرد،

به‌گونه‌ای که دیگر گرایش‌های سیاسی که سال‌ها تلاش داشتند در جنبش دانشجویی نفوذ پیدا کنند،

علاصحنه را به دانشجویان چپ و رادیکال واگذار کردند. تمام اعتراضات دانشجویی در این

دو سال و شعارهای‌شان نشان‌گر همین واقعیت است. شعارهای‌شان به میان جامعه رفت و از این

جهت جنبش دانشجویی نقش برجسته‌ای در جنبش انقلابی توده‌های ستمدیده‌ی ایران ایفا کرد.

"دانشجو آگاه است، با کارگر همراه است"، "فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم"، "ایستاده

ایم در سنگر، دانشجو و کارگر"، "هیکو، فولاد، آذرب / کارگران: اعتصاب، اعتصاب"، "ستم،

سرکوب، استثمار، منطق سرمایه دار"، "خوابگاه دخترانه، یک بندی از زندانه" و "نان، کار، آزادی، پوشش اختیاری" از جمله شعارهای

برجسته دانشجویان در آن سال‌هاست. با حضوری شدن دانشگاه‌ها پس از پاندمی کرونا در سال‌جاری، به‌رغم وقفه‌ای که در روند

روبرشد جنبش دانشجویی به دلیل تعطیلی

در صفحه ۳

دانشجو، کارگر، اتحاد، اعتصاب

دانشگاه‌ها رخ داده بود، تحولات روزهای اخیر نشان دادند که جنبش دانشجویی همچنان قادر به ایفای نقش و جایگاه ویژه و مهم خود در جنبش انقلابی توده‌های کار و زحمت است. نه فقط شعارهای دانشجویان در اعتراضات اخیر، بلکه بویژه پیشتازی دانشجویان در اعتصاب سراسری این امر را اثبات کرد.

دانشجویان به‌عنوان بخشی از نیروی آگاه و جوان جامعه، در سال‌های اخیر نقشی هدایت‌گر و پیشتاز بویژه در اعتراضات خیابانی داشته‌اند. اگرچه "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان" اولین تشکلی بود که فراخوان اعتصاب سراسری در مدارس را برای دو روز صادر کرد، و اگرچه برخی از کسبه بویژه در کردستان در اعتراض به قتل فجیع "زینا" دست به اعتصاب زده و در روز شنبه ۹ مهر بار دیگر از جمله در زاهدان، ایلام، کرمانشاه و شهرهای کردستان دست به اعتصاب زدند، اما این دانشجویان بودند که در عمل اعتصاب سراسری را فراخوان داده و آغاز کردند و به همین دلیل و به دلیل نقش جنبش دانشجویی، اعتصاب‌شان از اهمیتی بسیار بالایی برخوردار است.

اعتصابی سراسری نه برای دو روز یا چند روز، بلکه تا رسیدن به خواسته‌هایشان. به عبارتی روشن‌تر تا پیروزی قیامی که شعله‌هایش همچنان گرمابخش این روزهاست، شعله‌های امید به پیروزی، شعله‌های خشم میلیون‌ها انسان ستمدیده از ظلم و جور حاکم که دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند این ظلم و جور را بر شانه‌های خود حمل کنند. شعله‌های خشمی که از چابهار تا خراسان و از خوزستان تا آذربایجان و کرانه‌های خزر را فرا گرفته است.

از خروش طوفانی توده‌های کار و زحمت در دی‌ماه ۹۶ تا به امروز، این اولین بار است که ایده اعتصاب عمومی سیاسی این‌گونه در جامعه فراگیر شده است. ایده‌ای که دانشجویان آن را به عمل درآوردند و می‌رود تا از سوی دیگر گروه‌های اجتماعی نیز مورد استقبال عملی قرار گیرد.

ما بارها گفته و نوشته بودیم که اعتراضات خیابانی نمی‌تواند به تنهایی به پیروزی و سرنگونی رژیم منتهی شود. بارها گفتیم و نوشتیم که اعتراضات خیابانی باید با دیگر اشکال مبارزاتی همراه شده و بویژه به اعتصاب عمومی سیاسی فرا برآید. با اعتصاب عمومی سیاسی در عمل میلیون‌ها انسان وارد میدان مبارزه شده و آمادگی برای قیام مسلحانه توده‌ای به‌منظور سرنگونی رژیم وارد فاز جدیدی می‌شود. امروز بخش بزرگی از توده‌های کار و زحمت نیز در عمل به این آگاهی دست یافته‌اند که برای رسیدن به پیروزی، برای تحقق سرنگونی رژیم، اعتصاب عمومی سیاسی یک گام ضروری‌ست. این آگاهی - در همان محدوده‌ای که امروز وجود دارد - بویژه نتیجه مبارزات کارگری و دیگر توده‌های تحت ستم جامعه از جمله در دی‌ماه ۹۶، تابستان و پاییز ۹۷، آبان و آذر و دی ۹۸ است که امروز خود را نشان داده است. دانشجویان

پیش به‌سوی اعتصاب عمومی و قیام مسلحانه سراسری

کارگران، زحمتکشان و مردم مبارز ایران!

امروز جامعه ما در یک موقعیت انقلابی قرار گرفته است. توفان سیاسی بزرگی که به راه افتاده، سرتاسر کشور را دربر گرفته است. زنان کارگر و مبارز ما حول شعار زن، زندگی، آزادی، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای و نابود باد جمهوری اسلامی متحد شده‌اند و خواست خود را که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است به‌روشنی و یکصدا در بیش از صد شهر کوچک و بزرگ در کف خیابان‌ها فریاد می‌زنند.

مردم غیور و مبارز!

رژیم جنایتکار و زن‌ستیز جمهوری اسلامی که بقاییش را تقویت بیش‌ازپیش ماشین سرکوب، اعمال قهر و خشونت، سانسور و قطع کامل اینترنت و کشتار و بازداشت زنان و مردان مبارز می‌بیند، بر شدت سرکوب افزوده است. هزاران نفر را بازداشت و روانه زندان نموده و صدها تن دیگر را به قتل رسانده یا مصدوم و مجروح ساخته است تا مردم به پا خاسته را مرعوب کند و به خانه‌ها بازگرداند. مردم زحمتکش و ستمکشیده ایران دیگر حاضر نیستند مثل گذشته، زیر ساتور رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به زندگی نکبت باری که این رژیم بر آنان تحمیل نموده ادامه دهند. کارگران و زحمتکشان ایران خواهان تغییرات اساسی و دگرگونی بنیادی نظم حاکم هستند. زنان و جوانان و زحمتکشانی که وارد خیابان شده و دست به قیام زده‌اند، از این ددمنشی‌ها و اقدامات جنایتکارانه که بیش از چهل سال ادامه داشته، ترسی به دل راه نمی‌دهند. توپ، تانک مسلسل دیگر اثر ندارد. زنان و جوانان پرشور و مبارز، نه‌فقط از حضور انبوه گزیده‌های حکومتی در خیابان‌ها ترسی ندارند بلکه در بسیاری موارد به آنان یورش برده و مزدوران را فراری داده‌اند. حتی برخی مراکز سرکوب و مذهبی نیز مورد حمله پیکارجویان قرار گرفته و به آتش کشیده شده‌اند. اعزام گسترده نیروی سرکوب به خیابان‌ها و میلیتاریزه کردن شهرها، هیچ خللی در اراده جوانان زنان و زحمتکشان ایجاد نمی‌کند. آزادی خواست مهم توده‌های مردم به پا خاسته است. نان و کار نیز سال‌هاست از خواست‌های مهم و میرم جوانان و کارگران و زحمتکشان است. مردم ستمکشیده و مبارزی که با جسارت به نبردهای خیابانی برخاسته و بیش از ده روزه به پیکار انقلابی ادامه داده‌اند، مصمم‌اند تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی که ارمغانش در گام نخست؛ کار و نان و آزادی ست به مبارزه ادامه دهند.

کارگران و زحمتکشان و مردم غیور ایران

ما فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور اعلام می‌کنیم؛ تا نابودی کامل رژیم جمهوری اسلامی در خیابان‌ها در کنار شما خواهیم ماند زیرا خیابان سنگر و مدرسه سیاسی توده‌هاست. ما همچنین از عموم کارگران، معلمین و سایر اقشار زحمتکش می‌خواهیم باروی آوری به اعتصاب و یا به هر شکل دیگری که می‌توانند از پیکار توده‌های مردم برای براندازی نظم موجود حمایت کنند. ما از همه آحاد مردم زحمتکش و مبارز خواستاریم در اتحاد بزرگ توده‌ای و پیکار انقلابی علیه نظم موجود مشارکت نمایند.

زنده‌باد پیکار انقلابی در کف خیابان

پیش به‌سوی اعتصاب عمومی و قیام مسلحانه سراسری
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم

فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور

۶ مهر ۱۴۰۱

کار نان آزادی - حکومت شورایی

بخش‌های پیشروتر طبقه کارگر به اعتصاب بدون تردید می‌تواند اعتصاب عمومی سیاسی را وارد فاز جدیدی کند و دیگر بخش‌های طبقه کارگر را با خود همراه سازد. همچنین گسترش اعتصاب در وزارتخانه‌ها و دیگر مراکز دولتی و غیردولتی، از جمله اعتصاب روزنامه‌نگاران کل سیستم را در همه زمینه‌ها فلج ساخته و رژیم را زمین‌گیر خواهد کرد.

این راه را امروز جنبش دانشجویی در برابر توده‌ها قرار داده است، پیروز باد اعتصاب سراسری دانشجویان، زنده باد اعتصاب سرتاسری سیاسی به رهبری طبقه کارگر.

همان‌گونه که در دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ پیشتاز بودند، این بار نیز در به عمل درآوردن این آگاهی یعنی ضرورت اعتصاب عمومی سیاسی، پیشتاز شدند.

اعتصاب سراسری دانشجویان می‌تواند و می‌باید آغاز شروع اعتصاب در دیگر گروه‌های اجتماعی بویژه طبقه کارگر باشد. امروز بیش از هر زمان دیگری در گذشته، شرایط برای آغاز اعتصاب عمومی سیاسی فراهم شده است. زمینه این اعتصاب امروز در مدارس در حال فراهم شدن است. بخش‌هایی از طبقه کارگر ایران خود را برای اعتصاب آماده می‌کند. وارد شدن

نقش تعیین‌کننده اعتصاب سیاسی سرتاسری در مرحله کنونی جنبش



بهرغم اینکه زنان و مردان مبارز ایران در تظاهرات و درگیری‌های خیابانی اخیر، حماسه آفریده و قهرمانانه در برابر مزدوران مسلح رژیم که تاکنون متجاوز از صد تن از مبارزان را به قتل رسانده و هزاران تن را دستگیر کرده‌اند، استوار و پیگیر به مبارزه ادامه داده‌اند، این واقعیت اما آشکار است که تظاهرات و نبردهای خیابانی هر آنچه هم که وسعت و ابعاد توده‌ای داشته باشند، به‌تنهایی برای رویارویی با رژیم به‌غایت ارتجاعی، بی‌رحم و سرتاپا مسلح کافی نیست. باید به اشکال عالی‌تری از مبارزه همچون اعتصابات سیاسی و فراتر از آن اعتصاب سیاسی سرتاسری روی آورد که هم به لحاظ دامنه‌ی توده‌ای، فراگیرتر و سراسری باشد و هم قدرت ایستادگی و فلج کردن ارگان‌های سرکوبگر رژیم و از جمله نیروهای مسلح آن را داشته باشد و شرایط را برای روی‌آوری به قیام مسلحانه و سرنگونی رژیم فراهم آورد. از این‌روست که شعار اعتصاب سرتاسری سیاسی در ابعاد وسیعی مقبولیت یافته است و دانشجویان به‌عنوان بخش آگاه و پیش‌تاز جنبش از هم‌اکنون در سراسر ایران به اعتصاب سیاسی روی آورده و اعتصاب را با تظاهرات تلفیق کرده‌اند. در همین حال، روز شنبه مردم کردستان نیز، اعتصاب عمومی برپا کردند.

اعتصاب سراسری سیاسی در اساس، شکل ویژه و مختص مبارزه طبقه کارگر در بالاترین سطوح رشد و اعتلای مبارزات این طبقه برای سرنگونی طبقه حاکم سرمایه‌دار است. این شکل از مبارزه، به لحاظ نقش و رسالتی که این طبقه در نظام سرمایه‌داری بر عهده دارد و در جریان تحولات انقلابی کنونی نیز بر عهده خواهد گرفت، شکل اصلی مبارزه عمومی توده‌ای برای سرنگونی نظم موجود است. تمام تجارب جنبش بین‌المللی کارگری و نیز تجربه انقلاب پیشین ایران به‌وضوح نشان داده است که بدون برپائی اعتصابات سرتاسری سیاسی پیروزی انقلاب ناممکن است.

این واقعیتی غیرقابل‌انکار است که شرایط عینی برای روی‌آوری طبقه کارگر و تمام توده‌های زحمتکش مردم مخالف نظم موجود به جنبش اعتصابی فراهم است. وجود موقعیت انقلابی در ایران، بی‌شمار اعتصابات کارگری در سال‌های اخیر، شورش‌های تهری‌دستان شهری، قیام آبان ماه سال ۹۸، جنبش‌های توده‌ای پی‌درپی چندین سال گذشته بر سر آب‌ونان و تظاهرات و نبردهای خیابانی سراسری اخیر، همگی شواهدی بر این آمادگی برای فراتر رفتن از مبارزات تا کنونی به شکلی عالی‌تر و برپائی اعتصابات سیاسی است.

اما نکته‌ای را که در اینجا باید بر آن تأکید کرد، این واقعیت است که اعتصاب سیاسی سرتاسری نمی‌تواند در کشوری که رژیم دیکتاتوری عریان، توده‌های کارگر و زحمتکش را از هرگونه تشکیلی محروم کرده و هم‌اکنون وحشیانه سرکوب می‌کند، به‌فوریت و با یک فراخوان برپا گردد و توده‌های کارگر و زحمتکش سریعاً به

فراخوان‌های برپائی اعتصاب سیاسی سرتاسری پاسخ مثبت دهند.

اعتصاب سرتاسری سیاسی در ایران همان‌گونه که تجربه انقلاب پیشین به ما نشان داده است، در یک‌روند برپا می‌شود. نخست یک یا چند کارخانه که کارگران آن‌ها از سازمان‌یافتگی، تجربه مبارزاتی و آگاهی بهتری برخوردارند، یا مصلحان، دانشجویان، پرستاران و غیره، حول مطالبات سیاسی به اعتصاب روی می‌آورند، همان‌گونه که اکنون دانشجویان، پیشگام این مبارزه شده‌اند. در پی این اعتصابات سیاسی است که بخش‌های وسیع‌تری از کارگران و کارمندان که بنا به تجربه گذشته، اغلب اعتصابات آن‌ها تلفیقی از مطالبات اقتصادی و سیاسی است به این موج اعتصابات سیاسی می‌پیوندند و در نهایت عموم کارگران با اعتصابات اقتصادی عمومی که پی آمد آن اعتصابات با مطالبات عمدتاً سیاسی است، به همراه برخی گروه‌های اجتماعی و حرفه‌ای دیگر و نیز بخش‌هایی از کارمندان دستگاه دولتی به اعتصاب می‌پیوندند و اعتصاب سیاسی سراسری برپا می‌گردد. در یک چنین روند پیچیده همراه با عقب‌نشینی و پیشروی‌های جنبش به‌حسب وضعیت سیاسی است که اعتصاب سیاسی سرتاسری می‌تواند در ایران شکل بگیرد.

البته با توجه به نارضایتی عمیق و گسترده توده‌ای از وضع موجود، سطح بالاتر آگاهی و تشکل کارگران در قیاس با انقلاب پیشین، اعتصابات متعدد اقتصادی و سیاسی که طبقه کارگر در چند سال اخیر داشته‌اند، می‌توان انتظار داشت که این اعتصاب سریع‌تر از آنچه تصور می‌شود، شکل بگیرد. برای تسریع این روند در میان کارگران، نقش بسیار بزرگی پیشروان و فعالان جنبش کارگری در درون کارخانه‌ها بر عهده‌دارند که بتوانند با سازمان‌دهی کمیته‌های اعتصاب و فعال کردن کمیته‌های موجود، با تلفیق مطالبات اقتصادی و سیاسی وزن مطالبات سیاسی را در اعتصابات که پیوسته رخ می‌دهد، بالا ببرند و به برپائی فوری‌تر اعتصابات سیاسی یاری رسانند. اما در برخی کارخانه‌ها که کارگران از تجربه، آگاهی و سازمان‌یافتگی بهتری برخوردارند، آن‌ها می‌توانند پیشگام برپائی اعتصابات سیاسی باشند.

اعتصابات سیاسی که هم‌اکنون جرقه آن با اعتصاب سراسری دانشجویان زده‌شده است، جنبش را با یک گام غول‌آسا به‌پیش خواهد برد. مهم‌ترین مسئله در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، بسیج گسترده‌ترین بخش توده‌های مردم ایران و گردآوری یک لشکر سیاسی بزرگ در سراسر کشور است. فقط اعتصاب سرتاسری سیاسی از یک چنین ظرفیت و قدرت بسیج‌کننده برخوردار است. چراکه این اعتصاب در کشوری که اکثریت بزرگ مردم را کارگران تشکیل می‌دهند، مقدم بر هر چیز قدرت بسیج‌کننده عموم توده‌های کارگر حتی عقب‌مانده‌ترین بخش آن را داراست.

اعتصاب سراسری سیاسی میلیون‌ها تن از

توده‌های زحمتکش، حتی عقب‌مانده‌ترین و ناآگاه‌ترین آن‌ها را که تاکنون از مبارزه سیاسی دورمانده‌اند، به عرصه حیات سیاسی فعال جامعه سوق خواهد داد.

این اعتصاب به علت خصلت کارگری آن می‌تواند توده بیکاران، زحمتکشان و تهیدستان حاشیه شهرها را بسیج کند. از آنجایی که در اعتصاب عمومی سیاسی ایران مطالبات سیاسی فراگیر جامعه، در صدر مطالبات این اعتصاب قرار می‌گیرند، می‌تواند توده‌های وسیع‌تر زنان را که هنوز به عرصه مبارزه مستقیم روی نیاورده‌اند و نیز روشنفکران و عموم مردم آزادیخواه را بسیج نماید.

تنها، اعتصاب سرتاسری سیاسی است که می‌تواند لشکری چندمیلیونی را برای مبارزه‌ای فاطحانه و ادامه‌دار با رژیم گردآورد.

اعتصاب سرتاسری سیاسی، میدان وسیع‌تری را برای شکل‌گیری اشکال متنوعی از مبارزه، تظاهرات و راهپیمایی‌های توده‌ای میلیونی، گردهمایی‌ها، نبردها و سنگربندی‌های خیابانی فراهم می‌آورد.

اعتصاب سیاسی سراسری، رژیم ارتجاعی حاکم را به‌تمام‌معنا از جهات مختلف بی‌سازمان و فلج خواهد کرد. نظم اقتصادی حاکم را مختل می‌سازد و تمام منابع تغذیه مالی رژیم را مسدود خواهد ساخت. در کشوری که اتکای طبقه حاکم و قدرت سیاسی آن به درآمد نفت است، قطع این منبع بزرگ مالی رژیم، ضربه‌ای خردکننده به آن وارد خواهد آورد. فقط این نیست که درآمدهای دولت از نفت و گاز و دیگر مؤسسات تولیدی و خدماتی قطع می‌گردد، با پرداخت نکردن مالیات، عدم پرداخت فیش‌های آب، برق و گاز نیز تهمانده منابع تأمین مالی آن قطع می‌شود. همچنین با پیوستن کارمندان بانک‌ها به اعتصاب سراسری سیاسی، هرگونه دست‌اندازی رژیم به منابع و امکانات بانکی و نقل‌وانتقال پول توسط رژیم متوقف می‌شود. پرداخت حقوق پرسنل ارگان‌های رنگارنگ سرکوب با اختلال مواجه می‌گردد و نارضایتی را در صفوف آن‌ها افزایش می‌دهد.

اعتصاب سراسری سیاسی در درون دستگاه دولتی شکاف می‌اندازد. نهادها و ارگان‌های دستگاه دولتی را دچار ازهم‌گسیختگی و بی‌سازمانی خواهد کرد، چراکه این اعتصاب به درون برخی از نهادها و ارگان‌های دولتی نیز رسوخ خواهد کرد و پرسنل آن‌ها نیز به اعتصاب می‌پیوندند.

این اعتصاب همچنین شکاف درونی طبقه حاکم را عمیق‌تر می‌کند و تزلزل و تردید را در صفوف نیروهای مسلح آن افزایش خواهد داد. درحالی‌که اعتصاب سراسری سیاسی وتوام با آن تظاهرات توده‌ای و سنگربندی‌های خیابانی



سرکوب و کشتار وحشیانه مردم زحمتکش زاهدان را قویاً محکوم میکنیم

نبردها و خیزشهای توده‌های در شهرهای مختلف کشور وارد دومین هفته خود شده است. امروز در بسیاری از شهرها از جمله زاهدان و اهواز گروههای زیادی از توده‌های مردم بهطور یکپارچه وارد خیابان شدند و پیکار انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی تداوم یافت. مردم زحمتکش و مبارز زاهدان با شعارهایی چون مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر دیکتاتور، در خیابانهای این شهر به اعتراض برخاستند. دختران بلوچ با برداشتن روسری که مورد تشویق سایر اعتراضکنندگان قرار گرفت، صحنه‌های درخشانی از خواست آزادی از جمله آزادی پوشش را به نمایش گذاشتند.

نیروهای سرکوب، صفوف اعتراضکنندگان را مورد حمله قرار دادند و به روی مردم آتش گشودند. بر اثر تیراندازی نیروهای سرکوب و انتظامی به روی مردم بیسلاح در خیابانها و همچنین تیراندازی به روی مردم در مسجد مکی زاهدان، دهها تن کشته و زخمی شدند. با گسترش و ادامه نبرد خیابانی، هلیکوپتر حکومتی برای ایجاد رعب و هراس بیشتر، بر فراز آسمان زاهدان به پرواز درآمد.

علیرغم فضای سرکوب و حملات وحشیانه مزدوران حکومت به صفوف مردم زحمتکش، توده‌های مردم خشمگین با شجاعت و بیباکی به مراکز نیروهای انتظامی و سپاه یورش بردند و یکی از اماکن متعلق به سپاه، یک وسیله نقلیه متعلق به مزدوران حکومتی و کلانتری شیرآباد زاهدان را به آتش کشیدند.

مردم زحمتکش زاهدان، زنان و جوانان جسور در سراسر کشور که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تمام نظم موجود به پا خاسته‌اند، به مبارزه ادامه خواهند داد. رژیم جمهوری اسلامی به پایان خطر رسیده است و سرکوب و خشونت و کشتار آن را نجات نخواهد داد.

سازمان فدائیان (اقلیت) سرکوب و کشتار وحشیانه توده‌های مردم به پا خاسته زاهدان را قویاً محکوم میکند.

سازمان فدائیان (اقلیت) از مبارزات توده‌های مردم زاهدان، اهواز و سایر شهرهای کشور برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی حمایت میکند و همه اقشار زحمتکش را به این مبارزه فرامیخواند.

**زندهباد نبردهای خیابانی توده‌های و قیامهای شهری برای سرنگونی
انقلابی رژیم جمهوری اسلامی**

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی
زندهباد آزادی- زندهباد سوسیالیسم**

سازمان فدائیان (اقلیت)

هشتم مهرماه ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی – حکومت شورایی

نقش تعیین‌کننده اعتصاب سیاسی سرتاسری در مرحله کنونی جنبش

نیروهای سرکوب را در شهرهای مختلف زمین‌گیر و درگیر می‌سازد، آن‌ها را فرسوده و ناتوان خواهد ساخت. اعتصاب سیاسی، کارایی نیروهای مسلح سرکوب را به شدت کاهش می‌دهد، چراکه رژیم عملاً نمی‌تواند آن‌ها را در سراسر ایران به مقابله با اعتصابکنندگان گسیل نماید. این اعتصاب، پشتوانه محکمی برای رشد و گسترش اشکالی از مبارزه خواهد بود که نیروهای مسلح رژیم را در هر کوچه و خیابان به چالش خواهد کشید و آن‌ها را خسته و فرسوده خواهد کرد.

علاوه بر این، وقتی که میلیون‌ها تن از مردم ایران به اعتصاب سیاسی سراسری و دیگر اشکال مبارزاتی روی آورده باشند، فرزندان آن‌ها در نیروهای مسلح رژیم که عمدتاً سربازان هستند و نیز عناصری از کادرهای نظامی، صفوف نیروهای مسلح رژیم را ترک می‌گویند و به جبهه مبارزه مردم علیه رژیم می‌پیوندند.

این اعتصاب، تأثیرات همه جانبه‌ای بر کل طبقه کارگر و مبارزه آن برجای خواهد گذاشت. در کشوری که دیکتاتوری و استبداد تمام راه‌ها را برای متشکل شدن آزادانه کارگران بسته است، اعتصاب سیاسی سرتاسری به سرعت کارگران را در ابعادی به وسعت سراسر کشور متشکل خواهد کرد و آگاهی این طبقه را به مقیاسی بی‌سابقه رشد خواهد داد. ورود طبقه کارگر به اعتصاب سیاسی سراسری، هژمنی و رهبری این طبقه را در جنبش تأمین خواهد کرد و به یکی از معضلات کنونی جنبش که نبود رهبری است، پایان خواهد داد. کمیته‌های هماهنگی اعتصاب که نمایندگی اعتصابکنندگان را بر عهده‌دارند، در جریان این اعتصاب نقش سیاسی روزافزونی می‌یابند. آن‌ها به ارگان‌های تصمیم‌گیرنده قدرت کارگران و زحمتکشان تبدیل می‌گردند و عملاً به عنوان یک قدرت غیررسمی اداره امور کشور را بر عهده می‌گیرند.

اعتصاب سیاسی سراسری دروند تکاملی خود سبب خواهد شد که کمیته‌های اعتصاب به سطح بالاتری ارتقاء پیدا کنند و از دوران آن‌ها شوراها پدیدار گردند که ارگان‌های اعمال حاکمیت پرولتری برای استقرار یک حکومت شورایی‌اند.

اعتصاب سرتاسری سیاسی همه‌چیز را برای سرنگونی رژیم فراهم خواهد ساخت، از نظر سیاسی و آمادگی نظامی وسایل گذار به شکل عالی‌تر را فراهم می‌سازد، اما خود به تنهایی، نمی‌تواند ضربه نهائی برای سرنگونی قطعی رژیم باشد. می‌بایستی به یک شکل عالی‌تر مبارزه، یعنی قیام مسلحانه ارتقاء یابد.

در بطن این نبرد بزرگ که در جریان اعتصاب سیاسی سراسری به اوج می‌رسد، توازن قوا به شکلی قطعی به نفع توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران و به زیان رژیم حاکم بر هم می‌خورد و تمام شرایط عینی و ذهنی لازم برای وارد آوردن ضربه نهایی و روی‌آوری توده‌های زحمتکش مردم به قیام مسلحانه و سرنگونی جمهوری اسلامی در کلیت‌اش فراهم می‌گردد.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک
اعتصاب عمومی سیاسی و
قیام مسلحانه برانداخت**

طبقه کارگر و خیزش سراسری



تعیین تکلیف قطعی بانظم موجود در سراسر کشور شعله‌ور شده، نبرد کارگر هفت‌تپه هم هست، نبرد کارگر شرکت واحد و راه‌آهن و نفت و برق هم هست.

حدود یک هفته بعد از آغاز خیزش توده‌ای و گسترش آن به ده‌ها شهر کشور، "شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" با انتشار اطلاعیه کوتاهی در ۴ مهر، ضمن حمایت از مبارزات مردم نوشت "ما کارگران پروژه‌های نفت هم‌صدا با همه مردم در ایران بار دیگر خشم و نفرت خود را نسبت به قتل مهسا امینی این دختر جوان به دست گشت ارشاد اعلام کرده و از مبارزات مردمی علیه خشونت سازمان‌یافته و هرروزه علیه زنان و علیه فقر و بی‌تأمینی و جهنم حاکم بر جامعه حمایت و پشتیبانی می‌کنیم... اعتراض حق مسلم ما کارگران و ما همه مردم است و به ستم و ظلم و بساط سرکوبگرانه‌ای که بیش از چهل سال است بر ما روا می‌شود اعتراض داریم. ما دیگر حاضر به ادامه تحمل این بردگی و بی‌حقوقی‌ها نیستیم. ما کارگران نفت هشدار می‌دهیم که در صورتی‌که به بازداشت‌ها، به کشتار مردم و سرکوبگری‌ها و اذیت و آزار زنان به خاطر حجاب پایان داده نشود، و سرکوب مردم پایان نیاید، ساکت نخواهیم ماند. هم‌صدا با همه مردم ما نیز دست به اعتراض خواهیم زد و کار را تعطیل خواهیم کرد."

در تاریخ ششم مهرماه بیانیه‌ای از طرف "بخشی از کارکنان رسمی نفت" انتشار یافت. در این بیانیه نیز قتل مهسا امینی به‌شدت محکوم و از اعتراضات مردمی در کف خیابان قویاً حمایت‌شده است. کارکنان رسمی نفت در بیانیه خود از جمله چنین نوشته‌اند "ما خود بخشی از همین مردم هستیم که بیش از چهل سال است زندگی و کرامت انسانی‌مان به دست حاکمیت مستبد و ضد بشر پایمال‌شده است... ما دیگر به ادامه این شرایط بردوار زندگی و کار، تن نمی‌دهیم."

طرف حساب این بخش از کارکنان رسمی نفت، کل حاکمیت است. این بخش از کارکنان رسمی نفت به‌روشنی از حاکمیتی سخن می‌گویند که بیش از ۴۰ سال حقوقشان را پایمال نموده است. کارکنان رسمی نفت در ادامه بیانیه خود از قدرت کارگری و اعتصاب سراسری سخن می‌گویند و ضمن هشدار به حاکمیت می‌نویسند "قدرت ما در اعتصاب سراسری و متحد ماست. ما ضمن اینکه همان مردمی هستیم که در تجمعات خیابانی حاضر می‌شویم و شعار زن، زندگی، آزادی سر می‌دهیم، اخطار می‌دهیم که اگر سرکوبگری‌ها ادامه یابد، اگر همه دستگیرشدگان آزاد نشوند، اگر به فضای پادگانی در خیابان‌ها و در شهرها و در محیط‌های کارمان

در صفحه ۷

می‌شد. اگر طبقه کارگر به دلیل فقدان حزب طبقاتی اخص خویش و محرومیت از تشکلهای مستقل و سراسری عجلتاً نتوانسته است در این ابعاد ابراز وجود کند، اما با استفاده از راه‌های میان‌بر می‌تواند وارد این عرصه شود. برای مثال فعالان کارگری و کارگران آگاه، پیشرو و باتجربه در چند کارخانه و مؤسسه تولیدی و خدماتی می‌توانند با برقراری ارتباط باهم- که با توجه به گسترش شبکه‌های مجازی نباید چندان مشکل باشد- تشکلهایی از نمونه کمیته‌های هم‌انگهی اعتصاب ایجاد کنند، مشترکاً به حمایت از مبارزات توده‌ای و خیابانی برخیزند و برای اعتصاب سراسری فراخوان بدهند. این ابتکار عمل بر متن شرایط موجود به‌سرعت مورد استقبال سایر فعالان کارگری و کارگران آگاه قرار خواهد گرفت و کل ماجرا را روی ریل دیگری قرار خواهد داد. بدون کمترین تردیدی تهیه و انتشار فراخوان اعتصاب‌های سراسری کارگری، جنبش مبارزاتی و انقلابی کنونی را چندین گام جلوتر خواهد برد. ورود کارگران به صحنه در مقیاس سراسری، نه‌فقط جنبش جاری را چندین گام به جلو خواهد برد، بلکه زمینه‌های هژمونی و رهبری طبقه کارگر را نیز به‌طور عینی فراهم خواهد کرد.

رویدادهای جاری و روند مبارزات نشان می‌دهند که تحركات کارگری در این زمینه و پروسه مداخله کارگران به‌نوعی آغاز شده است. برخی تشکلهای و جمع‌های کارگری با صدور اطلاعیه‌ها و بیانیه‌هایی از مبارزات مردم حمایت نموده‌اند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه با صدور بیانیه‌هایی ضمن اعتراض به دستگیری‌ها و سرکوب گسترده توده مردم از تظاهرات و پیکار خیابانی زنان و جوانان حمایت نموده‌اند.

کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه‌آهن اندیمشک فراخوان اعتصاب داده‌اند. کارگران پیشتاز و سوسیالیست لوله‌سازی اهواز نیز با صدور اطلاعیه کوتاهی در هشتم مهرماه، ضمن حمایت از نبردهای خیابانی در شهرهای مختلف کشور و محکوم نمودن سرکوب و کشتار معترضان، اعلام نمودند در همبستگی و همراهی با مردم دست به اعتراض خواهند زد. جمعی از رانندگان "اسنپ" و جمعی از کارکنان "دیجی‌کالا" در حمایت از اعتراضات سراسری جاری دست به اعتصاب زدند. جمعی از کارگران هفت‌تپه با صدور اطلاعیه‌ای در تاریخ هشتم مهر، از ضرورت حضور متحدانه کارگران این شرکت و کارگران شهرهای خوزستان در اعتراضات سخن گفته‌اند. دیدار تنی چند از نمایندگان کارگران هفت‌تپه با خانواده مهسا امینی، همدردی با پدر رنج‌دیده مهسا، معنای سیاسی معینی دارد. معنای این ابتکار عمل و حرکت ساده این است که؛ مسئله مهسا امینی، فقط مسئله پدر و خانواده مهسا نیست، بلکه مسئله کارگران هفت‌تپه و سایر کارگران هم هست. معنایش به‌روشنی این است؛ آنچه امروز در سراسر کشور در جریان است و نبردی که برای سرنگونی رژیم ارتجاعی و زن‌ستیز حاکم و

و بی‌رحمی و وحشی‌گری نیروهای سرکوب نتوانسته است در برابر توده‌های مردمی که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به پا خاسته و وارد خیابان‌ها شده‌اند، مانعی ایجاد کند. سراسر کشور در تبوتاب و تشنه تحول است. مردم به ایجاد رابندگان و سنگربندی خیابانی روی آورده‌اند و بوی انقلاب در همهجا به مشام می‌رسد.

همزمان با تداوم پیکار و خیزش‌های شهری، اشکال دیگری از مبارزه نیز پدیدار شده و رواج یافته است. اعتصابات شهری، اعتصابات دانشجویی و اساتید دانشگاه و بخشاً اعتصاب مدارس، بیش‌ازپیش گسترش یافته است. روز شنبه ۹ مهر مطابق فراخوان قبلی تقریباً تمام شهرهای کردستان به‌طور یکپارچه وارد اعتصاب شدند. همین روز باز بر طبق فراخوان قبلی، اعتصابات دانشجویی بیش از ۱۱۱ دانشگاه و مؤسسه عالی آموزشی در سراسر کشور را فراگرفت. شعار "دانشجو، کارگر اتحاد اعتصاب" در فضای دانشگاه طنین‌افکن شده است. در تمام این اعتصابات از خواست مردم و قیام‌های شهری برای برافکندن نظم حاکم حمایت‌شده است. بسیاری از تشکلهای مستقل مانند شورای هم‌انگهی تشکلهای صنفی فرهنگیان، کانون نویسندگان ایران، و گروه‌های مختلف بازتنسنگان با صدور بیانیه، ضمن محکوم نمودن قتل جنایت‌کارانه مهسا امینی، از نبرد توده‌های مردم در کف خیابان و اعتراض‌های سراسری حمایت نموده و خواهان گسترش آن شده‌اند.

شواهد موجود نشان می‌دهد که همراه با تداوم پیکار خیابانی، اعتصابات و حمایت از مبارزات توده‌های ستم‌کشیده و به پا خاسته نیز در حال گسترش است. همراهی اعتصابات با نبردهای خیابانی و ابتکارات و حمایت‌های توده‌ای، کل جنبش را گامی جلوتر برده است.

علی‌رغم این اما هنوز طبقه کارگر با تعطیل کار و در شکل اعتصاب سراسری به جنبش توده‌ای برای سرنگونی نظم موجود نبیوسته است. تردیدی در این موضوع نیست که بسیاری از شرکت‌کنندگان در اعتراضات و خیزش‌های شهری، فرزندان کارگران و زحمت‌کشاند، جوانان بیکار و بی‌آینده‌اند، زنان و مردان کارگر و زحمتکش‌اند و در کلیت خود طیف‌ها گوناگونی از کارگران و زحمتکشان در آن حضور پررنگ دارند. اما کارگران به‌صورت متشکل هنوز وارد این ماجرا نشده‌اند. بحث بر سر این نیست که به فرض چرا همه‌ی کارگران مشغول به کار در کارخانه‌ها و مؤسسات گوناگون تولیدی و خدماتی در همین لحظه وارد خیابان نشده‌اند یا نمی‌شوند. بحث بر سر این است که کارگران با استفاده از روش‌ها و تاکتیک‌های مبارزاتی اخص خود و مکانیسم‌های حاکم بر مراکز کار و تولید به یاری و همراهی با جنبش خیابان برخیزند و با اعتصاب و خواباندن چرخ تولید، از توده مردم و مطالباتشان حمایت کنند. بهترین حالت این می‌بود که طبقه کارگر با فراخوان‌های سراسری و سازمان‌دهی اعتصاب‌های سراسری به‌صورت یک طبقه متشکل وارد میدان

طبقه کارگر و خیزش سراسری

پایان داده نشود و اگر معیشت و کرامت ما به ما برنگردد همان‌طور که قبلاً نیز اعلام کردیم دست از کار خواهیم کشید و این بار با خانواده‌هایمان و همراه مردم تجمع خواهیم کرد." این اقدامات و بیانیه‌ها و موضع‌گیری‌ها به روشنی سمت‌گیری کارگران و جنبش کارگری را نشان می‌دهد و با عطف توجه به این نشانه‌ها می‌توان گفت کارگران نیز عملاً وارد صحنه شده‌اند. گرچه هشدار به اعتصاب هنوز اعتصاب نیست اما راه را نشان می‌دهد و گامی به‌پیش است. بیانیه "بخشی از کارکنان رسمی نفت" به‌ویژه در مقطع کنونی بسیار مهم است. نه‌فقط از این‌رو که با قدرت، از نبردهای خیابانی و اعتراضات مردم به دفاع برخاسته و هشدار به اعتصاب سراسری داده است، بلکه همچنین از این بابت که می‌تواند تلاش جناح راست کارکنان رسمی نفت را خنثی کند. این گرایش که در "شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت" نفوذ دارد و از امکانات قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار است، سعی می‌کند مبارزات کارکنان رسمی نفت را به انحراف کشانده و آن را در چارچوب نام‌نگاری‌ها و مذاکره با مقامات حکومتی محدود و مقید سازد.

بعد از ماجرای تجمع کارکنان رسمی نفت در روز ۱۲ شهریور مقابل وزارت نفت که مورد حمله و حشایانه نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفت و ۶۷ تن بازداشت و روانه زندان شدند، در فعالیت‌هایی که بانام "شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت" انجام می‌شد عملاً وقفه افتاد اما کمی بعد، این فعالیت‌ها در جهت بندوبست با مقامات دولتی و نمایندگان مجلس هدایت و به بازی در بساط حکومتیان خلاصه شد. "شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت" قرار بود روز ۵ شهریور تجمع و اعتصاب سراسری برگزار کند. اما درست در آستانه این اقدام اعتراضی و به خاطر مشت‌ی و عده‌های توخالی مقامات وزارت نفت، این تجمع لغو و به ۲۸ شهریور موکول شد. عین همین ماجرا دوبراره و این بار در غیاب برخی از فعالان کارگری که دستگیر و زندانی شده و دستگاه امنیتی با پرونده‌سازی موانعی برای حضور فعال آن‌ها به وجود آورده بود، یعنی سه روز مانده به تجمع، تکرار و تجمع و اعتراض سراسری لغو شد. روز ۲۵ شهریور، در اطلاعیه‌ای که با امضای "شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت" انتشار یافت، ضمن اشاره به وقایع روز ۱۲ شهریور چنین اعلام شد که خواست کارکنان رسمی به اطلاع نمایندگان مجلس رسانده شده و قرار شده ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت اجرا شود. "شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت" در آن اطلاعیه ضمن اشاره به "لغو تجمع ۲۸ شهریور و تعویق آن به زمانی نه‌چندان دور" اعلام کرد به‌جای تجمع، "گزینه صبر" را انتخاب نموده است. و به دنبال آن وعده داد "در اولین فرصت گردهمایی باشکوهی برگزار خواهد شد". همزمان، تلاش‌های دیگری نیز به عمل آمد و با توجه به

امکانات مجازی، ادعا شد چند هزار امضا مبنی بر درخواست اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت جمع‌آوری شده و معاون منابع انسانی وزارت نفت نیز برای اجرای این خواست پاسخ مثبت داده است. به عبارت دیگر به‌طور غیرمستقیم هرگونه تجمعی در این رابطه منتفی شد تا وزارت نفت و مقامات دولتی "گزینه صبر" را مورد توجه قرار دهند و ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت را اجرا کنند. اما این هنوز تمام ماجرا نبود. درست در روز ۲۸ شهریور که قرار بود تجمع و اعتراض سراسری برگزار شود و سه روز قبل از آن لغو شده بود، همین گردانندگان "شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت" اعلام نمودند: "شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت در نظر دارد نمایندگان را از کارکنان رسمی برای همکاران انتخاب و جهت حضور در جلسات با مسئولان نفتی و غیرنفتی معرفی نماید. متقاضیان باید آشنا به قوانین جاری در صنعت نفت، فنون مذاکره و مقبولیت در شرکت خود و سابقه قابل‌ملاحظه در عرصه مطالبه‌گری داشته باشند."

بدون آنکه علت انتخابات و انتخاب اعضای جدید شورا اعلام گردد و یا مشخص شود چه بر سر اعضای قبلی آمده و کدام نیاز عملی یا اساسنامه‌ای چنین انتخاباتی را ضروری ساخته است، معلوم شد که این گرایش فقط به لغو تجمع ۲۸ شهریور اکتفا نکرده بلکه برنامه‌های دیگری مانند سلطه کامل بر تشکل کارکنان رسمی نفت نیز در سر دارد. شایان‌ذکر اینکه همراه این تلاش‌ها در شبکه‌های مجازی نیز مدام وعده داده شد مددی معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزیر نفت، ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت را اجرا خواهد کرد. در عمل اما نه‌فقط تجمع و اعتراض سراسری لغو و ماست‌مالی شد، بلکه ماده ۱۰ قانون یادشده نیز اجرا نشد. گرچه هنوز چندوچون و نتایج به‌اصطلاح انتخابات شورا مشخص و اعلام نشده، اما "شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت" نیز خصوصیت قبلی و استقلال خود را به‌کلی از دست داد. بعد از سرکوب تجمع ۱۲ شهریور و بازداشت ۶۷ هم‌انگهی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت" تا این لحظه انجام‌شده، عمدتاً توسط گرایش راست درون شورا و کارکنان رسمی انجام‌شده که معتقد است فقط باید از طریق مذاکره و نام‌نویسی خواست‌ها را پیگیری کرد و از اساس با هرگونه تجمع و اعتصاب مخالف است. افراد شناخته‌شده این گرایش این مخالفت را به‌صراحت از طریق شبکه‌های اجتماعی مانند کلاب‌هاوس نیز اعلام نموده‌اند.

نحوه عمل "شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت" و لغو پی‌درپی قرارها و تصمیمات، نمی‌توانست بی‌دلیل باشد و نبود. این نحوه عمل که در شهریورماه سال جاری به اوج خود رسید، قبل از هر چیز ریشه در موقعیت خود کارکنان رسمی نفت داشته است.

در واقعیت امر بخشی از این کارکنان رسمی که پست‌های بسیار حساسی نیز دارند، به‌عنوان یک نیروی بازدارنده عمل نموده و مانع جدی بر سر راه اعتصاب و تجمع بوده‌اند. این‌ها کسانی هستند که به نحوی از انحاء از همان آغاز حضورشان در نفت، وابستگی‌هایی به حکومت داشته‌اند و دارند و یا بعدتر وابسته شده‌اند. همین‌ها هستند که مخالف تجمع و اعتصاب‌اند و طی یک سال گذشته پیوسته تلاش نموده‌اند به این توهم دامن بزنند که گویا منافع و خواست‌های کارکنان رسمی، بدون اعتراض و اعتصاب و تجمع برآورده می‌شود. این گرایش که در مکاتبات خود پیوسته به "رهبر معظم" اقتدا می‌کند، حتی از اینکه مخالفت شدید خود را با تجمع و اعتصاب اعلام کند ابایی نداشته است و از طریق دستگاه حکومتی نیز ساپورت می‌شود.

بیانیه اخیر "بخشی از کارکنان رسمی نفت" در حمایت از اعتراضات توده‌ای و هشدار به اعتصاب، از این زاویه نیز بسیار مهم است که این بخش، حساب خود را از گرایش راست پرو رژیم که "شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی صنعت نفت" را مصادره و از مسیر درست منحرف نموده، جدا کرده است. از این بخش کارکنان رسمی نفت باید حمایت کرد و آن را تقویت نمود. کارگران و کارکنان رسمی نفت که در مراکز بسیار حساس و مهم صنعت نفت مشغول به کار هستند، باید عناصر متعلق به گرایش راست و بازدارنده را کنار بزنند و تشکل مستقل خود را بازسازی و ترمیم کنند و اگر به هر دلیل چنین کاری میسر نباشد، می‌توانند تشکل مستقل و شورای هماهنگی جدیدی را سازمان دهند و مبارزات کارکنان رسمی را از زیر نفوذ گرایش راست پرو حکومتی خارج سازند.

آنچه در شرایط کنونی حائز اهمیت جدی است این است که جرقه اعتصابات جاری در جامعه از نمونه اعتصابات درخشان دانشجویی، در نفت شعلور شود. کارگران و کارکنان صنعت نفت در زمینه سازمان‌دهی اعتصابات سراسری، تجارب گران‌بهای فراوانی دارند. هم در سطح کارگران پیمانی و غیررسمی و هم در سطح کارگران و کارکنان رسمی از سال ۹۹ تاکنون چندین اعتصاب و تجمع سراسری را سازمان داده‌اند. بنابراین می‌توانند و باید پیش‌قدم شوند و آتش اعتصابات سراسری را در نفت شعلور سازند. باید از مرحله هشدار به اعتصاب عبور کرد و وارد اعتصاب شد. افزون بر این، کارگران و کارکنان صنعت نفت از دوره انقلاب ۵۷ تجربه و سابقه درخشانی در ایجاد کمیته هماهنگی اعتصاب و فراخوان و سازمان‌دهی اعتصاب سراسری دارند و با استفاده از آن تجارب، می‌توانند نقش مهم و ارزنده‌ای در این جهت ایفا کنند.

تردید نیست اگر کارگران نفت که بخش مهم و تعیین‌کننده طبقه کارگر محسوب می‌شوند، وارد اعتصاب سراسری شوند، جنبش انقلابی نیز وارد فاز جدید و مرحله پیشرفته‌تری خواهد شد و مسیری را طی خواهد کرد، که هیچ شانس برای بقای نظم موجود باقی نخواهد ماند.





برای اعتصاب سیاسی و قیام سراسری خود را تجهیز و آماده کنیم

خیزش‌ها و قیام‌های شهری وارد یازدهمین روز خود شده‌اند. علی‌رغم سرکوب خشن و اعمال قهر و خشونت مزدوران حکومتی، پیکار انقلابی برای برچیدن رژیم جمهوری اسلامی ادامه دارد. دولت ارتجاعی و نهادهای سرکوب آن در طول این یازده روز خون بیش از صد جوان را بر زمین ریخته‌اند. صدها تن را با گلوله و باتوم مجروح ساخته و هزاران پیکارجوی معترض دیگر را بازداشت و روانه زندان کرده‌اند. اما این اقدامات سرکوبگرانه هیچ‌گونه خللی در اراده توده‌های مردم معترض و ناراضی برای ادامه مبارزه و براندازی رژیم جمهوری اسلام ایجاد نکرده است. برعکس هرروز، شهرها و توده‌های بیشتری به مبارزه پیوسته‌اند و صفوف مبارزان برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی متراکم‌تر شده است. در بسیاری از شهرها، خیابان‌ها در کنترل جوانان انقلابی است. شکل‌های دیگری از اعتراض نیز در حال گسترش است. دانشجویان دانشگاه‌ها در سراسر کشور به تجمعات اعتراضی ادامه داده و ضمن اعتراض به دستگیری‌های گسترده، کلاس‌ها مجازی را به‌طور سراسری تحریم و اعتصاب سراسری خود را آغاز نموده‌اند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان نیز ضمن اعتراض به دستگیری‌ها و سرکوب گسترده توده مردم و پادگانی شدن برخی مدارس، از تظاهرات و پیکار خیابانی توده‌های مردم حمایت نموده و فراخوانی برای اعتصاب و تعطیل مدارس انتشار داده است. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کانون نویسندگان ایران، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه و گروه‌های مختلف بازنشستگان با صدور بیانیه، ضمن محکوم نمودن قتل جنایتکارانه مهسا امینی، از نبرد توده‌های مردم در کف خیابان و اعتراض‌های سراسری حمایت نموده و خواهان گسترش آن شده‌اند. کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه‌آهن اندیمشک فراخوان اعتصاب داده‌اند. کارگران پیمانی نفت نیز ضمن حمایت از نبردهای خیابانی و محکوم نمودن قتل مهسا امینی، هشدار داده‌اند وارد اعتصاب خواهند شد.

جامعه همچنان در تب‌وتاب انقلابی و در غلیان است. توده‌های مردمی که برای براندازی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به پا خاسته‌اند، همچنان در کف خیابان شعار سرنگونی می‌دهند، اینجوانجا به افراد و مراکز حکومتی یورش می‌برند و به‌صراحت از انقلاب سخن می‌گویند. ارتجاع حاکم با توسل به قهر و خشونت، هرروز شمار دیگری را به قتل می‌رساند و انبوهی را دستگیر و روانه زندان می‌کند. گرچه زنان و مردان شجاع و مبارزی که برای تعیین تکلیف نهایی با رژیم مستبد و زن‌ستیز حاکم وارد خیابان شده و دست به قیام زده‌اند مرعوب این اقدامات نشده و نمی‌شوند، با این‌همه، برای مقابله با اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم باید خود را تجهیز و آماده کرد. با ارتجاع‌ها را تا به دندان مسلح حاکم که در قیام آبان ۱۵۰۰ نفر را به قتل رساند و در خیزش‌ها و قیام‌های شهری یازده روز اخیر بیش از ۱۰۰ نفر را کشتار نموده است، نمی‌توان صرفاً با دست‌خالی مقابله کرد. در برخی شهرها و استان‌ها از جمله کردستان، اقداماتی برای مصادره سلاح صورت گرفته و جوانان مبارز و جسور، به قرارگاه‌های بسیج و کلانتری‌ها و مراکز نظامی یورش برده‌اند. باید خود را مسلح کنیم. نیروهای مسلحی را که برای سرکوب و کشتار قیام‌کنندگان اعزام می‌شوند باید خلع سلاح کرد. مرتجعین و جنایتکارانی که در جنایت علیه توده‌های مردم ایران دست دارند باید مجازات شوند. برای آزادی بازداشت‌شدگان نیز باید به اقدامات فوری دست زد. باید مراکز نگهداری بازداشت‌شدگان و زندان‌ها را شناسایی کرد و با تجمع گسترده در مقابل این مراکز و یورش به آن‌ها، بازداشت‌شدگان و زندانیان سیاسی را از اسارت نجات داد.

در لحظه حاضر، بسیار مهم و حیاتی و مبرم است در شرایطی که مردم زحمتکش سراسر کشور علیه ارتجاع حاکم و برای سرنگونی آن به پا خاسته‌اند کارگران در هر شکل و با هر وسیله‌ای که می‌توانند به حمایت و پشتیبانی از خیزش‌ها و قیام‌های شهری برخیزند. بسیار مهم و حیاتی و مبرم است که کارگران پیشرو در کارخانه‌ها و مؤسسات گوناگون صنعتی و خدماتی، که از تجربه، تشکل و آگاهی بهتری برخوردارند ابتکار عمل را در دست‌گیرند و در شرایطی که تظاهرات و نبرد خیابانی سراسر کشور را فراگرفته است، مشترکاً به حمایت از این مبارزات برخیزند و برای برپائی اعتصاب سراسری تشکل‌هایی از نمونه کمیته هماهنگی اعتصاب ایجاد کنند و اعتصاب سیاسی سراسری را فراخوان دهند. این وظیفه بسیار مهم و حساس لحظه کنونی، بردوش کارگران آگاه و پیشرو، فعالین و تشکل‌های کارگری موجود است که در این راه اقدام کنند و با تهیه و انتشار فراخوان اعتصاب‌های سراسری کارگری، جنبش مبارزاتی و انقلابی کنونی را چندین گام جلوتر برند. اکنون زمان آن است که کارگران در مقیاس سراسری وارد صحنه شوند تا زمینه‌های رهبری طبقه کارگر بر جنبش انقلابی فراهم گردد و این طبقه بتواند مهر خود را بر تحولات جاری و آینده حک کند.

زنده‌باد نبرد خیابانی توده‌های زحمتکش مردم برای سرنگونی نظم موجود

پیش‌به‌سوی اعتصابات سراسری کارگری

پیش‌به‌سوی اعتصاب سیاسی سراسری و قیام مسلحانه سراسری

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم

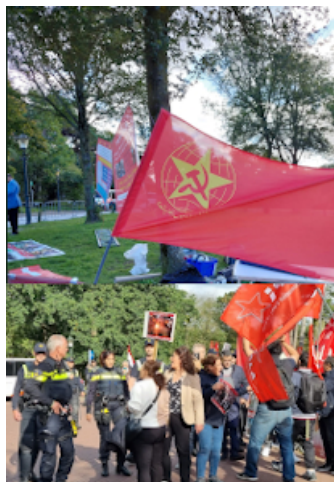
سازمان فدائیان (اقلیت)

پنجم مهرماه ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

گزارشی از تجمع اعتراضی مقابل لانه جاسوسی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در لاهه هلند

در روز جمعه ۳۰ سپتامبر فعالین سازمان فدائیان (اقلیت)- هلند و کمیته هلند حزب کمونیست ایران و دیگر نیروهای چپ و کمونیست در اعتراض به قتل وحشیانه مهسا امینی و در حمایت از اعتراضات سراسری زنان و مردم زحمتکش در مقابل لانه جاسوسی رژیم فاشیست و جنایتکار جمهوری اسلامی در شهر لاهه هلند آکسیون اعتراضی برگزار کردند. در طول آکسیون با دادن شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و... پخش ترانه سرود و همچنین اطلاعیه از جمله اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست و اطلاعیه سازمان پیش به سوی اعتصاب سراسری و قیام مسلحانه سراسری خوانده شد. پلیس و نیروی ویژه برای حفاظت از لانه جاسوسی در محل آکسیون مستقر کرده بودند.



فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - هلند

گزارشی از میتینگ اعتراضی جلو کنسولگری جمهوری جنایتکار اسلامی در هامبورگ



بنا به فراخوان فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) در هامبورگ، حزب کمونیست ایران حوزه هامبورگ و شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه هامبورگ در دفاع و حمایت از مبارزات قهرمانانه مردم ایران امروز سه‌شنبه ۲۷ سپتامبر از ساعت ۳ تا ۵ بعدازظهر میتینگ اعتراضی جلو کنسولگری جمهوری جنایتکار اسلامی برگزار شد. باوجود اینکه تعدادی از سلطنت‌طلب‌ها قصد برهم زدن و اخلال در آکسیون را داشتند، با هوشیاری تمامی شرکت‌کنندگان در آکسیون تلاششان ناموفق بود و میتینگ اعتراضی با خواندن قطعنامه و پخش سرود و شعارهای انقلابی با موفقیت برگزار شد.

زنده‌باد آزادی زنده‌باد سوسیالیسم

"کردستان کردستان، گورستان فاشیستان"

شهرهای مختلف استان کردستان کماکان در تبوتاب و ناآرام است. جوانان و زنان مبارز همچنان در کف خیابان علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی شعار می‌دهند و خواهان سرنگونی رژیم‌اند. در برخی شهرها مانند سنندج، جو سرکوب و امنیتی بسیار شدید است. مزدوران سرکوب گر حکومتی، میدان‌ها و چهارراه‌های اصلی شهر را به اشغال خویش درآورده و آن را قرق کرده‌اند. گروه‌هایی از سرکوب گران موتورسوار که نقاب بر چهره دارند، در خیابان‌ها جولان می‌دهند. اگر وسایل نقلیه به‌وسیله بوق زدن به اشغال و قرق میدان اعتراض کنند، این مزدوران پلاک ماشین اعتراض‌کننده را می‌کنند. اگر زنان و دختران را به‌تهدایی در محلی گیر بیندازند، با باتوم آنان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. با این همه، آشکارا از مردم وحشت دارند. در تمامی بانک‌ها در سطح شهرهای کردستان از جمله سنندج، از ترس بورش پیکارگران خیابانی، زنده‌های آهنی کار گذاشته‌اند و در همان حال ده‌ها مأمور از بانک‌ها مراقبت می‌کنند.

علی‌رغم تمام این ترندها و وحشی‌گری‌ها برای پاشیدن تخم ترس و وحشت در میان مردم، جوانان و مردم مبارز در روزهای اخیر نیز به مبارزه ادامه داده‌اند. گروه‌های بزرگی از جوانان درحالی‌که ماسک به‌صورت دارند با سنگ و آتش و حتی کیسه‌های پلاستیکی بنزین و کوکتل مولوتف هائی که از قبل آماده‌شده، در میدان‌های شهر در مقابل پلیس و مزدوران سرکوبگر صف‌آرایی می‌کنند. گروهی از زنان و جوانان مبارز شهر سنندج در وسط خیابان ششم بهمن (پاسداران فعلی) با شعارهایی چون "زن، زندگی، آزادی"، " این پیام زنانه، هدف خود نظامه"، " مرگ بر دیکتاتور"، " کردستان، کردستان، گورستان فاشیستان" به نبرد خیابانی ادامه داده‌اند. گروه‌های دیگری از انقلابیون و مبارزان شعارهایی چون " کار، نان آزادی، پوشش اختیاری"، " زن زندگی آزادی، اداره شورایی" سر دادند. درحالی‌که مزدوران مسلح رژیم با شلیک گاز اشک‌آور به‌صاف پیکارجویان، تجمعات را پراکنده می‌سازند، اما نبرد دوباره در محل دیگری ادامه می‌یابد. علی‌رغم جو شدید امنیتی و اعمال خشونت پلیسی و دستگیری‌های گسترده، اما ترسی در میان نیست. جوانان شجاع به‌ویژه دختران جسور و مبارز سنندج و سایر شهرهای کردستان وسط میدان مبارزه ایستاده‌اند و اعتراضات و پیکار خیابانی برای سرنگونی جمهوری اسلامی ادامه دارد.

در جریان حملات وحشیانه نیروهای سرکوب به تجمعات خیابانی یا در حمله به منازل و یا حتی در کوچه و خیابان تعداد زیادی از جوانان و مردم مبارز سنندج و سایر شهرهای کردستان و ایران بازداشت و زندانی شده‌اند. برای آزادی بازداشت‌شدگان باید تلاش کنیم. آزادی بازداشت‌شدگان و کل زندانیان سیاسی یکی از خواست‌های فوری ماست و در همهجا شعار " زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را باید به شعارها خود اضافه کنیم.

زنده‌باد نبرد خیابانی توده‌های زحمتکش مردم برای سرنگونی نظم موجود

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم هفتم مهرماه ۱۴۰۱

فعالان و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - کردستان



شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست

اطلاعیه شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست



شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست

سرنگونی جمهوری
اسلامی، جواب قطعی
مردم به کشتار مردم زاهدان

در محکومیت حمله موشکی رژیم به پایگاههای احزاب اپوزیسیون در اقلیم کردستان عراق

روز چهارشنبه ۶ مهرماه ۱۴۰۱ برابر با ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۲ حدود ساعت ۱۰ و نیم قبل از ظهر سپاه پاسداران جمهوری اسلامی مفرها و اردوگاه های نیروهای اپوزیسیون در نزدیکی شهر "کوینسناق" و "زرگوزله" واقع در منطقه سلیمانیه را مورد حمله موشکی و پهبادی قرار داد که بر اساس گزارشات منتشر شده دستکم ۹ نفر کشته و ۳۲ نفر زخمی شده اند.

این حملات جنایتکارانه در شرایطی از سوی جمهوری اسلامی انجام می گیرد که دوازده روز است خیزشی سراسری ایران را فرا گرفته و خیابانهای بیش از صد شهر ایران به میدان ابراز خشم و اعتراض زنان و مردان آزادیخواه ایران علیه کلیت این رژیم تبدیل شده و این خیزش به اشکال مختلف در حال گسترش است. هدف رژیم از موشک باران مردم منطقه و مقر نیروهای اپوزیسیون در اقلیم کردستان، منحرف کردن اذهان و کم رنگ کردن این اعتراضات هم در کردستان و هم در سراسر ایران است.

رژیم با این تعرض جنایتکارانه به پناهندگان و خانواده پیشمرگان و مقرات نیروهای اپوزیسیون در اقلیم کردستان میخواد تمرکز توده های بیخاسته را از کف خیابان، از دانشگاهها و مدارس و از کارخانه منحرف سازد و تفرقه ایجاد کند، اما زهی خیال باطل! چون خیزش مردم به ستوه آمده از کردستان تا سراسر ایران اینک می رود کل این رژیم جنایتکار را به گورستان تاریخ بسپارد. این رژیم اکنون بیش از هر زمانی با خشم و نفرت مردم ازاد هم در ایران و هم در سطح جهانی روبرو است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، ضمن اینکه "حکومت اقلیم کردستان" را مسئول حفظ جان امنیت پناهندگان و نیروهای مستقر در منطقه می داند، حملات تجاوزکارانه و جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی به پایگاه های نیروهای اپوزیسیون در کردستان عراق را شدیداً محکوم می کند و پاسخ به این جنایت را تشدید مبارزات همه جانبه برای سرنگونی انقلابی رژیم می داند.

**مرگ بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی؛ زنده باد سوسیالیسم**

۶ مهرماه ۱۴۰۱ برابر با ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۲

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران حکمیتیت، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

در تب و تاب اعتراضات سراسری و جنگ خیابانی مردم بر علیه رژیم جمهوری اسلامی، تجاوز به یک کودک خردسال توسط یکی از فرماندهان نیروی انتظامی در رسانه های عمومی علنی شد و خشم و اعتراض مردم را علیه جنایتکاران اسلامی صد چندان کرد.

در شرایطی که مردم در سراسر ایران در روزهای متوالی با گسترش اعتراضات، خیابانها را به تسخیر خود در آورده و برای سرنگونی رژیم جنایتکاران اسلامی خیز برداشته اند، تجاوز به دختر ۱۵ ساله توسط یکی از فرماندهان نیروی انتظامی، نفرت و بیزاری بی پایان مردم ستمدیده زاهدان که زیر بار قزو ستم و تبعیض به ستوه آمده اند، بار دیگر همزمان با خیزش مردم در سراسر ایران به مصاف جمهوری اسلامی کشانده است.

مردم زاهدان در اعتراض به این جنایت ددمنشانه، روز جمعه بعد از نماز جمعه دست به تظاهرات زدند. این اعتراض با سرکوب وحشیانه و تیراندازی مستقیم مزدوران پایگاه بسیج روبرو شده است. طبق اخبار رسمی دولتی ۴۰ نفر کشته و زخمی شده اند، ولی بنا به اخبار محلی حدود ۶۰ کشته و ۲۰۰ نفر از معترضین زخمی شده اند.

بنیال این جنایت، درگیری میان مردم و مزدوران دولتی بالا گرفته و مردم خشمگین به پایگاه بسیج حمله میکنند و آنرا به آتش میکشند و فرمانده اطلاعات زاهدان نیز کشته میشود. اعتراضات به شهرهای دیگری در سیستان و بلوچستان نیز سرایت میکند.

اعتراض به جنایت رژیم ادامه دارد بنا به فراخوان مردم، امروز شنبه ۹ مهرماه اعتصابات، تظاهرات و اعتراضات خیابانی در بیشتر شهرهای استان سیستان و بلوچستان علیه سرکوبگران اسلامی ادامه داشته است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست همدردی عمیق خود را با خانواده جانبازان و مردم ستمدیده زاهدان و تمام مردم ایران ابراز میدارد و این جنایت هولناک رژیم زن ستیز و ضد انسان جمهوری اسلامی را محکوم میکند و همه مردم آزادیخواه را به گسترش اعتراضات و همبستگی با مردم ستمدیده زاهدان فرامی خواند.

حکومتی که هرگونه اعتراض به حق مردم را با قتل عام جواب میدهد، باید سرنگون و ماشین سرکوبش بدست مردم در هم کوبیده شود. سران آن باید دستگیر و بطور علنی محاکمه و بسزای جنایتشان برسند.

**مرگ بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی؛ زنده باد سوسیالیسم**

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

گزارش آکسیون اعتراضی شورای استکھلم و نیروهای چپ و کمونیست

این آکسیون اعتراضی در ادامه با پخش سرودهای انقلابی و سخنرانی تنی چند از جمله نماینده سازمان فداییان (اقلیت) و سردادن شعارهای انقلابی علیه جمهوری اسلامی، نظیر «ما همه مهسا هستیم، بجنگ تا بکنیم»، «زن زندگی آزادی»، «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر»، «جمهوری اسلامی نابود باید گردد»، نه شاه می خوایم نه ملأ، قدرت به دست شورا»، «کارگر زندانی، زندانی سیاسی، آزاد باید گردد»، «سفارت جمهوری اسلامی، این لانه جاسوسی تعطیل باید گردد»، (این شعار به زبان سوئدی بود) و شعارهای دیگر به مدت یک ساعت و نیم ادامه یافت و سرانجام با پخش و خواندن سرود انترناسیونال خاتمه یافت.

**فعلان سازمان فدائیان (اقلیت)-سوئد
۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲)**

و نیروهای چپ و کمونیست در مقابل سفارت (لانه جاسوسی) جمهوری اسلامی ایران در استکھلم سوئد

روز پنجشنبه ۲۲ سپتامبر (۳۱ شهریور) به دعوت شورای استکھلم و نیروهای چپ و کمونیست و آزادی خواه، یک تجمع اعتراضی به مناسبت قتل فجیع مهسا (ژینا) امینی و حمایت از مبارزات قهرمانانه توده های مردم ایران در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در استکھلم سوئد برگزار شد که فعالان سازمان فدائیان (اقلیت) - سوئد نیز فعالانه در آن شرکت داشتند.

در شروع این آکسیون تنی چند از رفقای شورا با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی به سفارت حمله کردند. پرتاب سنگ و بتون به ساختمان لانه جاسوسی و شعار نویسی بر در و دیوارهای آن از جمله اقدامات اولیه این آکسیون اعتراضی بود که با تهاجم پلیس و بازداشت یک ساعته یکی از رفقای شورا منجر شد.

**گزارش آکسیون اعتراضی شورای استکھلم و
نیروهای چپ و کمونیست که در شماره قبل
نشریه کار انتشار یافت، ناقص بود. مجدداً در
این شماره انتشار می یابد.**



گزارشی از آکسیون اعتراضی شورای استکھلم

با خواست آزادی زندانیان سیاسی، زندان را بر سر جمهوری اسلامی خراب کنیم

سونیس

کمک های مالی

علی اکبر صفایی فراهانی ۳۰ فرانک
 سیامک اسدیان (اسکندر) ۴۰ فرانک
 حمید اشرف ۳۰ فرانک
 محمد کاسهچی ۵۰ فرانک
 امیر نبوی ۵۰ فرانک

دانمارک

هوشنگ احمدی ۲۰۰ کرون
 دکتر نریمسا ۲۰۰ کرون
 خروش (اکتبر) ۲۰۰ کرون

ایران

آبان ادامه دارد ۱ میلیون تومان

کوچه و خیابان و خانه، توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی دستگیر و دزدیده می شوند، در میان انبوه شعارهای انقلابی، آنچه کمتر به آن بها داده شده، همانا طرح شعار آزادی زندانیان سیاسی و انبوه دستگیرشدگانی است که فوج فوج توسط نیروهای آدمکش رژیم از کوچه و خیابان و منازل دستگیر و دزدیده می شوند. دستگیر شدگانی که جملگی با شکنجه و مرگ مواجه اند، بازداشت شدگانی که بعضا اجساد آنان، از جمله نیکا شاکرمی - دختر ۱۷ ساله ای که روز ۲۹ شهریور پس از حضور در اعتراضات بلوار کشاورز تهران مفقود شد- پس از ده روز بی خبری پیکر بی جان او را در کهریزک به خانواده اش تحویل دادند. این کم توجهی نسبت به جان و سرنوشت دستگیر شدگان در شرایطی رخ داده است که علاوه بر هزاران مبارز خیابانی که این روزها به صورت گسترده دستگیر شده اند و می شوند، ده ها فعال اجتماعی و خبرنگاران جوان از جمله نیلوفر حامدی و الهه مجدی نیز، که اولی، مرگ مهسا را در بیمارستان کسرای تهران رسانه ای کرد و دومی، مراسم خاکسپاری مهسا را در سفز پوشش داد، توسط سروکوبگران جمهوری اسلامی دستگیر و اکنون در زندان هستند. دستگیرشدگانی که در شرایط سختی بسر می برند و لحظه به لحظه در زیر فشار و شکنجه و شلاق قرار دارند. بازداشت شدگانی که به حمایت عمومی ما نیاز دارند و در این میان تنها حمایت گسترده و همگانی جامعه می تواند گامی در مسیر کاهش رنج شان و بعضا در مسیر آزادی آنان باشد.

اما دریغ و درد، در میانه این همه شور و شوق مبارزاتی، در میانه این همه از خود گذشتگی و جان فشانی زنان و مردان و توده های بیباخته مردم ایران است، مسئله هزاران بازداشت شده ی واداشته است، دستگیرشدگان سیاسی که سالها در چنگال رژیم جنایتکار اسیر و گرفتارند، آنگونه که سزوار آن است، در سطحی گسترده مطرح نشده است. دریغ و درد که در این روزهای آتش و خون، در این روزهای حماسه ساز و شگفتی آفرین، در این روزهایی که توده های معترض و بیباخته ایران با شعار "تا انقلاب نکرديم، به خانه بر نگرديم"، امر سرنوشتی جمهوری اسلامی و به طریق اولی در هم شکستن درب زندان های جمهوری اسلامی را در دستور کار مبارزاتی خود قرار داده اند، به سرنوشت دستگیر شدگان کمتر توجه شده است.

در شرایطی که موج مبارزات انقلابی سراسر کشور را فرا گرفته است، ما مردم مبارز، ما جوانان سلحشور و از جان گذشته، ما زنان قهرمان و حماسه آفرین، باید بیش از هر زمان دیگر نسبت به جان و سرنوشت انبوه بازداشت شدگان حساس باشیم و توجه داشته باشیم. بازداشت شدگانی که رفیق و هم‌رزم ما هستند، دستگیرشدگانی که تا ساعتی پیش در کنار ما بودند و با ما در کوچه و خیابان و میدان های

شهر علیه جمهوری اسلامی شعار می دادند. در دو هفته گذشته، اگر شعاری هم در حمایت از بازداشت شدگان داده شد، بیشتر محدود بود به آزادی دانشجویان بازداشت شده در برخی دانشگاهها. تنها در روز شنبه ۹ مهر ماه بود که شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، در فضای دانشگاه تهران طنین انداز شد و مردم مبارز تهران نیز در ایستگاه متروی تئاتر شهر، شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را سردادند.

در شرایطی که اعتراضات سلحشورانه و قهرمانانه مردم ایران وسعت می‌گیرد و با گذشت هر روز، شعارهای "مرگ بر دیکتاتور" و "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" بلند و بلندتر می شود، حمایت همگانی از هزاران بازداشت شده‌ای که در شکنجه گاه های جمهوری اسلامی روزهای سخت بازجویی و شلاق و شکنجه می‌گذارانند، تلاش برای رهائی آن‌ها و طرح شعار "زندانی سیاسی، آزاد باید گردد" در تمام اعتراضات، وظیفه‌ای بر دوش عموم مبارزان است.

به رغم این کمبود در مبارزات دو هفته گذشته، اما هنوز دیر نشده است، هنوز هم مبارزات قهرمانانه و سلحشوری مردم شجاع و بیباخته در گستره ای به وسعت ایران جاری است. هنوز هم می توان با شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به یاری بازداشت شدگان شتافت. هنوز هم می توان با مطالبه آزادی بازداشت شدگان، زندان را بر سر جمهوری اسلامی خراب کرد.

فراموش نکنیم، در وضعیت کنونی جامعه به دلیل آمار بالای بازداشت شدگان، ممکن است همه آنان بلافاصله به زندان های شناخته شده منتقل نشوند و ای بسا در هر شهر و منطقه ای، ساختمان هایی به صورت موقت برای اسکان آنان اختصاص داده شود. شناسایی این بازداشتگاه های موقت بسیار حائز اهمیت است. با شناسایی این مکان ها و با عمومی شدن شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، می توان تجمعات اعتراضی را با خواست آزادی دستگیر شدگان به طرف اینگونه بازداشتگاه های موقت سمت و سو داد. و چنانچه حضور در مقابل زندان و بازداشتگاه ها برایمان مقدور نباشد، دست کم می توانیم در کنار بازداشت شدگان و خانواده های آنان باشیم.

از یاد نبریم که کجوتجهی نسبت به سرنوشت دستگیرشدگان و عموم زندانیان سیاسی، این فرصت را به جنایتکاران جمهوری اسلامی می دهد تا با شدت و حدت بیشتری برای دستگیری و شکار نیروهای مبارز و انقلابی اقدام کنند.

از اینرو در شرایط کنونی، همه ما که در خیابان ها حضور اعتراضی داریم، همه ما که در نبرد با جمهوری اسلامی بیباخته ایم و همه آن مردم سلحشوری که این روزها برای سرنوشتی جمهوری اسلامی خیز برداشته ایم، باید بدانیم که هر لحظه ممکن است دستگیر شدگان بعدی من و تو باشیم. همه کسانی که این روزها نسبت به قتل

مهسا امینی واکنش نشان داده و می دهند، باید بدانیم روز و شبی دیگر، ممکن است نیروهای سروکوبگر جمهوری اسلامی با هجوم به منزل ما برای دستگیری من و تو اقدام کنند.

به یاد داشته باشیم، در جامعه انقلابی و پر تلاطم ایران که رژیم سروکوبگر و آدمکش بر آن حاکم است، هیچ عنصر مبارزی حتماً آنان که کمترین زاویه ای با این رژیم دارند، از گزند بازداشت و زندان و شکنجه در امان نیستند و نخواهند بود. این دردی مشترک و سرنوشتی است که طی ۴۴ سال گذشته بر سر عموم مردم جامعه آوار شده است. دردی که باید در تمام صحنه های نبرد خیابانی و در تمامی تجمعات اعتراضی، هر آنچه در توان داریم در حمایت از دستگیر شدگان بکوشیم و آزادی زندانیان سیاسی را در گستره ای به وسعت ایران فریاد کنیم.

پوشیده نیست، آنان که اکنون در زندان هستند، آنانی که دیرروز و امروزها بازداشت شده اند، آنانی که هر روزه توسط نیروهای امنیتی در کوچه و خیابان و منازل خود شکار می شوند، همان دوستان ما هستند، همان رفقای ما هستند که با هم و در کنار هم در کوچه و خیابان و میدان های شهر به نبردی سرنوشت ساز با جمهوری اسلامی بر خاسته ایم. این دستگیرشدگان همان یاران هم‌رزم ما هستند که با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خامنه ای" و "ما همه مهسا هستیم، بکنجک تا به جنگیم" برای خاتمه دادن به ۴۴ سال حاکمیت سروکوب و اختناق و کشتار جمهوری اسلامی به میدان نبرد در خیابان ها پا گذاشته اند. پس در این وضعیت پر التهاب، اما امید بخش که همه نگاه ها به سرنوشتی این رژیم ارتجاعی و درمانده خیره شده است، با شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، یاری رسان هم‌رزمان در بند خود باشیم، برای آزادی دستگیرشدگان بکوشیم و با نهادینه کردن این شعار در جان و وجدان عمومی جامعه برای شکستن درب زندان ها و رهائی یارانمان از زندان و شکنجه و اعدام، تلاش کنیم.

با خواست آزادی زندانیان سیاسی، زندان را بر سر جمهوری اسلامی خراب کنیم

با خواست آزادی زندانیان سیاسی، زندان را بر سر جمهوری اسلامی خراب کنیم
در دو هفته گذشته موجی از خیزش و قیام و نبردهای خیابانی سراسر ایران را فرا گرفته است. قتل مهسا امینی آنچنان تأثیر شگرفی بر توده های جان به لب رسیده مردم ایران گذاشت که در ۱۶ روز گذشته، شعار "ما همه مهسا هستیم، جنگ تا بجنگیم" و "می کشم می کشم، هر آنکه خواهرم کشت" در مقیاسی سراسری با خشم جوشان توده های زحمتکش و بیخاسته مردم ایران در آمیخته است. این دو شعار همراه با شعارهایی نظیر "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر" و "تا انقلاب نکرديم، به خانه برنگردیم" در مقیاسی وسیع و همگانی امر سرنگونی جمهوری اسلامی را به خواست عمومی توده های مردم ایران تبدیل کرده است.

سر برکشیدن شعارهای انقلابی، رادیکال و سرنگون طلبانه طی دو هفته اخیر، خصوصاً شعار بسیار سرنوشت ساز "تا انقلاب نکرديم، به خانه برنگردیم"، آنچنان شور و حال و تحولی را در جامعه ایجاد کرده است که در تمامی این روزهای آتش و خون عملاً سرنوشت صدها و هزاران زن و مرد مبارز دستگیر شده در حاشیه مبارزات قهرمانانه مردم قرار گرفته است. تا جاییکه در تمامی این روزهای پر تلاطم و طوفانی و در شرایطی که جامعه از موقعیت انقلابی به آستانه انقلاب ورود کرده است، تنها در مواردی محدود، شعاری در حمایت از بازداشت شدگان و آزادی زندانیان سیاسی سر داده شده است.

در این میان و در شرایطی که هزاران تن از جوانان و توده های خشمگین و معترض، در

در صفحه ۱۱

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)
نامه های خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 990 October 2022



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تاصمی انسانهای
زحمتکش و ستم دیده ای است که برای
آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آنلاین شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آنلاین شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آنلاین شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی